

گزارش گردهمایی ایرانیان در بروکسل – شنبه ۴ ژوئیه



امروز از ساعت ۱۶ در میدان شومان جمع شدیم. فراخوان این گردهمایی را "جمعی از ایرانیان ساکن بلژیک" داده بودند. وقتی به میدان رسیدیم، بادکنک های سبز بالا رفته بود و پرچم های سبز دورتادور میدان را پوشانده بودند. محل گردهم آئی در میان ساختمانهای اتحادیه اروپا قرار داشت چرا که جلب توجه هیئت حاکمه کشورهای اروپایی از دغدغه های این جریانات است و در همین راستا از چند سناتور حزب سبز و پارلمان اروپا از سبزه ها هم دعوت کرده بودند. بعلاوه برگزارکنندگان خیلی بر دوری از شعارهای رادیکال و ضد رژیم تاکید داشتند. در برنامه های قبلی لاقبل تاکید بر شعارهای جاری در مبارزات داخل ایران بود ولی امروز دیگر آنها هم ممنوع کردند.

جمع ما - "کمپته دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک" - در حال آماده کردن "بیلبورد" بزرگ خود و پرچم و بنرهای سرخ، بودیم، که رفقای سوسیالیست بلژیکی به ما ملحق شدند. یکی از بنرهای ما پارچه ای قرمز بلندی بود که بر روی آن شعار "دفاع بین المللی از مبارزات مردم ایران و مرگ بر جمهوری اسلامی" نقش بسته بود. این شعار ما بیانگر نگاه ما به شرایط موجود ایران بود. "بیلبورد" ما با طرح بسیار زیبایی که مملو از شعارهای جاری در مبارزات داخل کشور و طرح های ابتکاری از آنها بود، هم بسیار دیدنی بود. بر روی آن شعار "موسوی یه بهانه ست، کل رژیم نشانه ست"، نوشته شده بود. از همان ابتدای کار برنامه ریزان بما انتقاد کردند که چرا اسم آورده اید؟ گفتیم چه اسمی؟ پاسخ دادند "موسوی!!!" در حالیکه عده ای که جلوی پودیوم ایستاده بودند پوسترهای موسوی و شعار "viva president mousavi" را بلند کرده بودند. در کنار این بنرها و بیلبورد، آلبوم عکسی از مبارزات مردم و سرکوب وحشیانه رژیم را بر روی پارچه بزرگ قرمزی روی زمین پهن کردیم تا نشان دهیم که از چه بخشی از مبارزات جاری دفاع می کنیم. برای اینکه بتوانیم با مردم صحبت کنیم، میز اطلاع رسانی با فراخوان راهپیمایی ۱۰ ژوئیه در بروکسل، مجموعه ای از اطلاعیه های ارسالی به زبان های گوناگون و شماره های مختلف نشریه بزر و چند فراخوان دیگر را آماده کردیم. افکار عمومی بلژیکی بسیار مشتاق دانستن مسائل ایران، خارج از هیاهوهای رسانه ای و تبلیغی هستند به همین جهت در تمام مدت گردهمایی استقبال گسترده ای از میز اطلاع رسانی و اطلاعیه های خبری ما شد.

سئوالاتی که رهگذران و شرکت کنندگان بلژیکی این گردهمایی داشتند:

تقریباً اغلب مردمی که با ما صحبت کردند می گفتند می دانیم که مبارزات مردم و خواسته هایشان فراتر از میرحسین موسوی و سایر کاندیدهای بازنده است. این نکته جالبی بود چون در روزهای اول که آکسیون های ایرانیان برای همبستگی با مبارزات مردم در خارج کشور شروع شد، بسیاری فکر می کردند مردم ایران در پی این هستند که میرحسین موسوی رئیس جمهور شود، هنوز بسیاری نمی دانستند که میرحسین موسوی هم یکی از دولتمردان نظام جمهوری اسلامی بوده است و بویژه اینکه در دوران نخست وزیری او بسیاری از مخالفان به قتل رسیدند، و فقط در تابستان ۱۳۶۷ هزاران زندانیان سیاسی با همراهی و همدستی او به قتل رسیدند.

آنها اغلب می پرسیدند این مبارزات به کجا خواهد رسید؟ از ما در مورد موضع کنونی میرحسین موسوی می پرسیدند که سعی کردیم به آنها بگوییم که وی در آخرین اطلاعیه خود گفته است که "دعوی او یک دعوی خانوادگی است درون نظام جمهوری اسلامی" و در حال حاضر جوانان در مبارزات پراکنده در محله ها به مبارزات خود ادامه می دهند. به آنان گفتیم که دولت احمدی نژاد نیز سرکوب خونینی را آغاز کرده است. این در حالی است که امروز رسانه های غربی تقریباً این مسائل را به سکوت برگزار کرده اند.

چند تن از جوانان بلژیکی در مورد رنگ سبز برخی از این تظاهراتها می پرسیدند. هنوز بسیاری فکر می کنند که این رنگ همان معنای مثبت جریانات "دفاع از محیط زیست" را دارد. برای آنان توضیح دادیم این رنگ سمبل اسلام شیعه است و میر حسین موسوی معتقد است که باید نظام اسلامی دهه ۸۰ م. دوره خمینی را احیا کند. به آنان توضیح دادیم که بسیاری از مردم که در تظاهراتها و گردهمایی زیر پرچم سبز جمع می شوند چنین اعتقاد و هدفی ندارند بلکه

جریانات و افرادی هستند که می خواهند برنامه موسوی را حتی در خارج کشور به مخالفین نظام جمهوری اسلامی تحمیل کنند.

در حاشیه تظاهرات

از آنجایی که در این گردهمایی از آقای محسن مخملباف نیز دعوت شده بود، مطلبی را در اعتراض به این موضوع تهیه کردیم که در آن تاکید شده بود که آقای مخملباف نمی تواند سخنگوی مردم ایران باشد و این توهین به مردمی است که سی سال توسط سیستمی سرکوب شده اند که مخملباف طی یک دهه یکی از ایدئولوگهای سینمای آن بوده است. اینکه وی نه فقط گذشته خود را نقد نکرده بلکه آن را پنهان هم کرده است. تقریباً در فاصله ای بسیار کوتاه صدها اطلاعیه ارسالی فعالین بدر از داخل کشور تحت عنوان "وقت را تلف نکنید، وضعیت بسیار اضطراری است!" به زبان های مختلف و مقاله ای در مورد جایگاه محسن مخملباف در پیشگاه مردم ایران پخش شد.

از همان ابتدای گردهمایی روشن بود که دو صدای گونان، با دو روش و دو نماد متفاوت حضور دارند. دو کشمکش بزرگی که طی هفته های گذشته صحنه های مبارزه مردم در ایران را رقم زده است. از یک سو نیرویی با نماد سرخ و طرح شعارها و مطالبات پایه ای اکثر مردم ایران از زنان گرفته تا کارگران، جوانان، دانشجویان و هنرمندان و نویسندگان و ... نمادی که تبارز تداوم مبارزات سی ساله مردم علیه کل نظام جمهوری اسلامی است. نمادی که هیچ توهمی به هیچیک از جناح های حاکمان جمهوری اسلامی ندارد و معتقد است جنگ موسوی - رفسنجانی با احمدی نژاد جنگ خانگی است همان گونه که خود موسوی نیز گفته است "جنگ ما هرچند تلخ، جنگی خانوادگی است". نماد سرخ تلاش دارد مبارزه مردم را از مبارزه دو جناح علیه یگدیگر جدا کند. از سوی دیگر جریاناتی با نماد سبز و شعارهای دفاع از یک جناح از حاکمان جمهوری اسلامی در مقابل جناحی دیگر حضور دارند که دل مشغولی شان نه حمایت از مبارزه مردم ایران بلکه تبدیل کردن مبارزه مردم به زانده جنگ درونی باندهای درون سیستم اسلامی است. این جریانات بویژه در خارج کشور فرصتی یافته اند تا استعداد سیاسی خود را به نظام نشان دهند و جایی و سهمی برای خود درون نظام اسلامی را در پیوزگی کنند. آنان اغلب نیروهای شناخته شده ای هستند که طی سی سال گذشته ضربه گیر نظام جمهوری اسلامی در مقابل مردم بوده اند. حضور ما در اینجا فرصتی بود برای نیروهای صادق و جوانی که این جریانات را نمی شناختند و از صمیم قلب برای همبستگی با مردم میهن شان در این گردهمایی حضور داشتند. برخی از آنان به ما پیوستند. اما هنوز کار بیشتری در پیش داریم تا چهره و ماهیت گردانندگان گردهمایی های "سبزقبایی" برای مردم و بویژه نسل جوان ایرانی در خارج کشور روشن کنیم.

بسیاری از اینان کهنه کاران اکثریتی و توده ای بودند که بقول رفقای قدیمی بلژیکی، "در طول این ۳۰ سال همیشه با اسامی گوناگون مثل انواع کانونها، انجمن ها و ... هویت اصلی خود را پوشانده و جمعیت شرکت کننده در برنامه های مختلف را فریب داده اند". گردهمایی امروز ترفند دیگری از این گروه است. جالب اینکه جمعیتی از آلمان و هلند با فراخوان دیگری به اینجا آمده بودند که مضمونی دیگر داشت. حتی برخی هم در بلژیک با فراخوانی دیگر در این گردهمایی حضور یافته بودند. آنان وقتی ماجرا را فهمیدند و دیدند که گردانندگان کلک زده اند بسیار خشمگین شدند. گرچه حضور ما در این گردهمایی فرصتی بود که برخی از این جمع به ما پیوندند و فرصتی بود که در مورد راهپیمایی روز جمعه که تدارک دیده ایم تبادل نظر کنیم. البته برخی دیگر هم از هلند و کلن، با مشاهده این وضعیت فوراً برگشتند.

نکته قابل تامل اینکه جریانات توده ای اکثریتی و امروز همراه با جمهوری خواهان و غیره فرصت را غنمیت دیده اند تا به نام گردهمایی و همبستگی با مردم ایران، با لابی گری هایشان، سناتورهای حساب پس داده ای را پشت تریبون بکشانند تا آنها هم منافع خودشان و گروه های مالی شان را تحت عنوان همبستگی با مردم (معلوم نیست مردم از نظر اینان کیست) به ما تحمیل کنند. و البته غافل از این نیستند که عناصر حساب پس داده جمهوری اسلامی مثل مخملباف در خارج از ایران را هم در این اوضاع "سفیدشویی" کنند.

در تمام طول گردهمایی، از هرترفندی برای مقابله با حضور ما استفاده کردند. از یکسو ژست دمکرات بودن می گرفتند و باصطلاح شعار "دمکراسی" می دادند. از سوی دیگر نمی توانستند برای لحظه ای حضور صدایی دیگر را تحمل کنند. این دوگانگی آنان را مجبور به اتخاذ تاکتیک های مکارانه و ریاکارانه ای کرد که موجب انزجار بسیاری از جوانان شرکت کننده شد. آنان که تنها تجربه شان با نیروهای مترقی در ایران طی دهه ۶۰ "شناسائی و لو" دادن آنان به نیروهای امنیتی رژیم اسلامی بود، در خارج کشور دست خود را خیلی بسته می بینند. آخر سر اعلام کردند که ما "دمکرات" نیستیم چون "وحدت کلمه" آنان را زیر سؤال برده ایم. اگر رزوی در ایران می گفتند "هر که با ما در افتاد و افتاد" امروز می گویند هر که با ما نباشد "دمکرات" نیست. حتی در لحظه ای که خواننده جوان موسیقی بندری و مدعو خودشان هیجان زده شد و با شور بسیار زیاد و فقط یکبار شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" را فریاد

زد، بسرعت بلندگوش قطع شد و سپس او را به پایین صحنه هدایت کردند. درحالیکه جمعیت چه سبز و چه با وجد آنرا تکرار می کرد!

آنان نسل ما را دست کم گرفته اند و نمی دانند که در میان ما نسل جوان، جنب و جوشی برای آگاهی از تاریخ و درس گیری از تجارب انقلابی نسل قبلی مان در جریان است.. ما نسلی هستیم که می خواهیم جامعه نوین ایران را طرح افکنیم و در مبارزات چند سال اخیر نشان داده ایم که شایستگی ساختن چنین جامعه ای را داریم. رنگ سبز اسلام دوازده امامی نماد ایدئولوژیک نظامی است که تدامش وابسته به سرکوب و تحقیر زنان، جوانان و استثمار کارگران و زحمتکشان است. ما عهد کرده ایم که رنگ مبارزاتمان رنگی شود که تصویر ندا در آن قاب گرفته شد و در یادها حک شد.

ما در این تظاهرات موفق شدیم مردم را به راهپیمایی جمعه ۱۰ ژوئیه دعوت کنیم. همگان می دانیم که رژیم سرکوب خونینی را برای شکستن روحیه جوانان آغاز کرده است و می خواهد به خیال خودش به جوانان درس عبرت بدهد. ابعاد جنایات آنان در این روزها خارج از تصور است. در عین حال رسانه های غربی بویژه اروپایی که مرتب مبارزات مردم را نشان می دادند تا بگویند اینها همه حامی موسوی هستند، از زمانی که فهمیدند جناب موسوی عمدتا در پی حفظ نظام است و مردم را به آرامش و حفظ نظام دعوت می کند، عملا حرفی از کشتارها نمی زنند. یعنی از زمانی که پای مردم وسط آمد و جناحها دعواها و مذاکرات خود را به پستوهای کشانده اند آنان نیز کار خود را تمام شده می دانند.....

اوضاع خیلی اضطراری است و باید با تمام قوا خودمان رسانه شویم و نگذاریم جمهوری اسلامی تابستان خونین دیگری را بی سر و صدا مرتکب شود

کمیته دانشجویی - بلژیک

05/07/2009



